

یقیناً فاقه امه می السلام در بعضی روایات چنین آمده است که رسول
 صلی الله علیه و سلم جای بر آن گفت که بقای تو بعد از ملاقات و می اند
 خواهد بود هم در آن چند روز جای بر وفات کرد رضی الله عنه از وی
 کرامات و خوارق عادات بسیار روایات کرده اند **در این باب**
گفت که یکی از ائمه کویده که با محمد بن علی بن ابی طالب رضی
 الله عنهم در ارض شام بن عبد الملک بنکد شیم در آن وقت که سالی
 آن میگردند فرمود که والله این در خراب کرده فرمود والله که
 خاک این را از اینجا فصل کنند و الله که هر آینه سنگهای بنای
 آن ظاهر شود و راوی میگوید که مر از آن سخن غیب آید که در ارض شام
 که خراب تواند کرد چون ایشام وفات کرد ایشام تا آن خراب
 کردند و خاک آنرا بیرون بردند چنانکه سنگهای آن نمایان
 و من آنرا دیدم **در این باب** که هم این روای گوید که با وی
 بودم که برادر وی زید بن علی رضی الله عنهم بر ما بکشد فرمود که
 والله این در کوفه خروج کند و بر اینک شد سر در بر کرد
 و با بنی اربن بر سر قصبه کنند ما را از سخن وی شجب آمد در این

نصب بود چون سرور آوردند قصبه نیز میان او بودند **در این باب**
گفت که دیگری گفته است که جعفر بن محمد رضی الله عنه گفت
 که درین وصیت کرد که چون من بمیرم تو مرا غسل می زبری که با هم
 جز امام نشوید و دیگر گفت که برادر تو عبد الله زود باشد که دعوی اما
 کند و مردم را بجا دهد و بر اینک از که غم روی کو ماه خواهد بود
 درین وفات یافت من و بر غسل کردم و برادر من عبد الله دعوی
 امامت کرد و چندان ترسیت چنانکه بدر گفته بود **در این باب**
 که فیض بن موطا گوید که بر ابو جعفر محمد بن علی رضی الله عنهم در ایام
 و میخواستیم که در آن زمان شب در محل سوال است چون در ایام
 بی آنکه من سخن کنم فرمود که کان رسول الله صلی الله علیه و سلم فصلی علی
 راحله جنت تو هیت به **در این باب** که دیگری گفته است
 که اجابت خواستیم با ابو جعفر رضی الله عنه در آن وقت که محفل
 که نزدیک وی جماعتی آید از آنان تو چندان بر نیاید که در آن
 بر آن آید نه قیامی تنگ در برده مؤذنی در پای سلام کردم
 بلکه شش بعد از آن من بروی در ایام و گفته ام این جماعت را که

و بعد از
هشتم شصت

نصب بود